



عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در مشارکت تاریخی مردم اصفهان در حفاظت از مسجد جامع اصفهان

سودابه ادیب زاده^۱، سیما خالقیان^۲، مهدی سعدوندی^{۳*}

۱۳۹۸/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مساله: مشارکت اجتماعی از مفاهیم مهم دنیای معاصر در حوزه معماری و شهرسازی است. این در صورتی است که تجربیات تاریخی ایران، از این مفهوم خالی نبوده است و مسجد جامع اصفهان را می‌توان نمونه‌ای دانست که در طول تاریخ با مشارکت اقشار جامعه، محافظت شده است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون این بنا متوجه وجه کالبدی آن بوده است و وجوه فرهنگی و اجتماعی آن، کمتر مورد توجه واقع شده است. از سویی دیگر این بنا، از جمله بناهای تاریخی است که در گذر قرن‌ها، همچنان به حیات کالبدی و کارکردی خویش ادامه می‌دهد؛ بنابراین با توجه به کارکرد مشارکت اجتماعی در پیشبرد امور جامعه در دوران معاصر و حل مسائل اجتماعی، مطالعه در مورد تجربه تاریخی مشارکت در حفاظت از مسجد جامع اصفهان امری ضروری است.

سوال تحقیق: عوامل فرهنگی تأثیرگذار در مشارکت تاریخی مردم اصفهان در نگهداری و حفاظت از مسجد جامع اصفهان چه بوده است؟ و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها به چه صورت است؟

اهداف تحقیق: با این وصف هدف از این پژوهش شناخت عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در مشارکت تاریخی مردم اصفهان در حفاظت از مسجد جامع اصفهان است.

روش تحقیق: در این پژوهش از روش تئوری زمینه‌ای استفاده گردید. داده‌های مورد نیاز از طریق مستندات کالبدی و کتیبه‌ها و منابع مکتوب استخراج گردید. سپس داده‌ها تجزیه و تحلیل و مفهوم‌پردازی شد و در سه مرحله کدگذاری گردید و در نهایت محوربندی کدها، سه محور اصلی را به‌عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در مشارکت مردم در حفاظت از مسجد جامع اصفهان، مشخص نمود.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: نتیجه حاصل بیانگر آن بود که فرآیند حفاظت و نگهداری از مسجد جامع اصفهان در طول تاریخ هم به‌وسیله حکومت‌ها و هم با مشارکت مردم انجام پذیرفته است. مشارکت مردم در این فرآیند به‌خوبی در کالبد مسجد جامع اصفهان قابل‌شناسایی است و عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در آن شامل این عوامل است. عامل اول اعتقادات دینی جامعه است که از طریق ایجاد نگرش لزوم کنشگری اجتماعی نسبت به محیط کالبدی اجتماعی مسلمانان و لزوم حفاظت از محیط کالبدی اجتماعی به‌عنوان امانت الهی و از طریق سازوکارهای سنت وقف و بانی‌گری، منجر به تداوم مشارکت تاریخی در حفاظت این بنا شده است. در کنار این عامل، عوامل احساس تعلق خاطر جامعه و حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه از عوامل دیگر مشارکت تاریخی در حفاظت از مسجد جامع اصفهان است.

کلمات کلیدی: مشارکت، مسجد جامع اصفهان، حفاظت، عوامل فرهنگی و اجتماعی، مانایی

^۱ کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران soodabeh.adib@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران sima.khaleghian@yahoo.com

^{۳*} استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران masters.aui.ac.ir/sadvandi



۱- مقدمه

بهره‌گیری از مشارکت^۲ اعضای جامعه در پیشبرد امور و حل مسائل جامعه یکی از مفاهیمی است که اهمیت آن در دوران معاصر، بیش‌ازپیش روشن گردیده است. اما چنانچه در ادامه نیز خواهیم دید؛ تجربیات تاریخی ایران نیز، با این مفهوم غریبه نبوده است و مشارکت اجتماعی همواره در حل و فصل امور جامعه از قبیل امور مربوط به بناهای عمومی همانند مسجد جامع اصفهان، کاربرد داشته است. در این پژوهش به منظور بررسی دقیق این موضوع، بررسی عینی آن در یک فضای اجتماعی شهری به نام مسجد جامع اصفهان که بخش بزرگی از حیات اجتماعی مردم اصفهان در طول تاریخ در آن شکل گرفته است، موردنظر قرار دارد. از سویی دیگر مطالعه فرهنگی و اجتماعی مسجد جامع اصفهان تاکنون، کمتر موردتوجه قرار داشته است. حال آنکه مسجد جامع اصفهان بیش از کالبد معماری محض، یک نهاد فرهنگی و اجتماعی است و عوامل فرهنگی و اجتماعی، موجبات حیات آن را فراهم آورده‌اند و آن را از یک جسم بی‌جان به ساختاری زنده و پویا مبدل ساخته‌اند. هرچند که «چقدر اندک است مسلم بودن چیزی درباره شکل و شمایل اجتماعی-سیاسی، فرهنگی-سیاسی یا قومی-سیاسی اصفهان (به این لحاظ هر شهر دیگری) که هزار سال از روی آن گذشته باشد... اما باید این امکان باشد که برای هر شهری بتوان تاریخچه‌ی فرهنگی-مذهبی مفروضی را بسط داد.» (اولگ گرابار، ۱۳۸۸، ۸۳) و «دریافت که این مسجد ملک کیست؟ کیست که آن را تعمیر می‌کند و هر بار با آخرین مد سطوح آن با کاشی‌های رنگی، آرایه آجری و یا با گچ ساده می‌پوشاند؟» (همان، ۳۱) بنابراین بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی که منجر به مشارکت مردم در نگهداری و حفاظت از مسجد جامع اصفهان شده است؛ به لحاظ تجربیاتی که در جلب مشارکت مردم به همراه دارد، ضروری است. هدف از این پژوهش شناخت عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری این مشارکت تاریخی است. این عوامل برخلاف اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در باب موضوع مشارکت، عواملی بیرونی و از پیش تعیین‌شده نیست بلکه عواملی درونی و مرتبط با بستر فرهنگی و تاریخی مسجد جامع اصفهان

است که به کمک روش گرندد تئوری، از منابع تاریخی و کتیبه‌های مسجد و پژوهش‌های معاصر مرتبط استخراج گردیده است.

۲- پرسش‌های تحقیق

این پژوهش در جست‌وجوی پاسخگویی به این سؤال‌ها است: عوامل تاریخی و فرهنگی تأثیرگذار در مشارکت تاریخی مردم اصفهان در نگهداری و حفاظت از مسجد جامع اصفهان چه بوده است؟ و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها به چه صورت است؟

۳- فرضیه تحقیق

با ذکر این موضوع که این پژوهش، پژوهشی فرضیه محور نیست، باید گفت که به هر صورت در این پژوهش در آغاز، فرض بر این بوده است که عواملی از جنس فرهنگی و اجتماعی در مشارکت مردم اصفهان در نگهداری از مسجد جامع اصفهان دخیل بوده است.

۴- پیشینه تحقیق

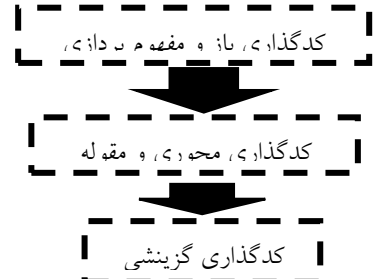
تاکنون توجه به مشارکت تاریخی ایرانیان در اداره امور شهر و نگهداری از فضاهای شهری و اماکن عمومی، به طور خاص، موردتوجه پژوهشگران قرار نداشته است و اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، بر آن تأکید دارند که اداره و نگهداری این اماکن در طول تاریخ بیشتر توسط حکومت مرکزی صورت پذیرفته است. به‌عنوان مثال در پژوهشی که در آن به تحلیل تاریخی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران تحت عنوان «مشارکت شهروندی» پرداخته شده است، ضمن بررسی تاریخچه مشارکت در جهان، به این موضوع اشاره شده است که «در ایران، پدیده شهروندی از ایران باستان تاکنون به شیوه‌های مختلفی وجود داشته است.» (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ۱۳۴) این پژوهش ضمن ارائه تاریخچه‌ای از فرآیند مشارکت در جامعه ایران که آغاز آن را از دوره سلوکی و تحت تأثیر شیوه پولیسی می‌داند؛ اشاره می‌کند که «با ظهور اسلام و تأکید بر اهمیت مشورت، مشارکت در ساختار اداری_سیاسی کشور تابع مقرراتی گردید که ناشی از شریعت اسلامی بود. ولی با روی کار آمدن حکومت‌های سلطنتی بعد از اسلام، ساختار اداری کشور گرفتار ملوک‌الطوایفی و

دیوانی می‌گردد.» (همان) تا دوران معاصر که تغییر و تحولات سیاسی، زمینه مشارکت و ایفای نقش شهروندان در قالب انتخابات شوراهای فراهم آورد. بنابراین اشاره‌ای مبهم به مشارکت تاریخی بدون ارائه نمونه عملی و تبیین نقش شهروندان، دستاورد این پژوهش در حوزه مشارکت تاریخی شهروندان است. شواهد بررسی شده در پژوهش پیش رو بیانگر آن است که نقش مشارکتی مردم در نگاهداشت مسجد جامع اصفهان به‌عنوان فضای اجتماعی شهری، بیش از آن است که در پژوهش‌هایی از این دست به آن اشاره شده است. پژوهشی دیگر با عنوان «تبیین وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان» به جست‌وجوی خاستگاه نظری مفهوم مشارکت اجتماعی، پرداخته است. (نیازی، ۱۳۸۵، ۱۲۷) این پژوهش به بررسی مشارکت تاریخی شهروندان شهر کاشان پرداخته است اما به لحاظ تبیین مفهوم مشارکت اجتماعی می‌تواند یاریگر باشد. در این پژوهش چنین نتیجه‌گیری شده است که ایرانیان در امور «خانوادگی، محلی و مذهبی» مشارکتی هستند اما در امور «عمومی و اجتماعی» غیر مشارکتی هستند. این به این معنا است که در این پژوهش، این دو عرصه از یک‌دیگر تفکیک شده‌اند. اما این در صورتی است که در جامعه ایرانی، همواره امور گوناگون عمومی و اجتماعی در قالب گروه‌های خانوادگی و محلی و مذهبی و در مکان‌های محلی و مذهبی انجام پذیرفته است و تفکیک این دو، در بستر تاریخی و فرهنگی ایران، موضوعیت ندارد. به‌عبارتی دیگر در بررسی موضوعات فرهنگی بایستی در تعاریف و کاربرد مفاهیم، به بستر فرهنگی توجه نمود تا دچار خطای حاصل از نگاه بیرونی نشد. یا در پژوهشی دیگر، به بررسی نقش برخی متغیرهای اجتماعی، تحت عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس پرداخته شده است. این پژوهش نیز متغیرهایی را به‌عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی معرفی نموده است که شامل «متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ...» است. به عبارتی مجموعه‌ای از متغیرهای از پیش تعیین شده را در بررسی مشارکت اجتماعی مورد استفاده قرار داده است و با توجه به آن‌ها و با روش کمی به تحلیل و بررسی موضوع پرداخته است و چنین

نتیجه‌گیری نموده است که مشارکت اجتماعی شهروندان بندرعباس در حد نسبتاً پایینی است. (نیک‌خواه و احمدی، ۱۳۹۶، ۱۶۰) حال آنکه هر جامعه و هر بستر فرهنگی و تاریخی نیازمند بررسی متغیرهای مناسب خود است و با بهره‌گیری از متغیرهای از پیش تعیین شده احتمال نادیده گرفتن برخی از متغیرها وجود دارد و به همین سبب است که در این پژوهش عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت تاریخی کاربران مسجد جامع اصفهان به‌عنوان یک فضای شهری، از دل وقایع شکل گرفته در مسجد جامع اصفهان کشف شده است. اغلب پژوهش‌های صورت پذیرفته در موضوع مشارکت، پژوهش‌هایی از این دست هستند که با متغیرهای تحمیلی و به شیوه کمی به بررسی مشارکت شهروندان پرداخته‌اند؛ و کمبود پژوهش‌هایی که با نگاهی کیفی و با متغیرهایی به‌دست‌آمده از بستر فرهنگی و تاریخی و با تکیه بر نمونه‌های عینی، محسوس است.

۵- روش تحقیق

چنانچه ذکر آن رفت این پژوهش در جست‌وجوی عوامل فرهنگی و اجتماعی برآمده از تاریخ فرهنگی و اجتماعی مسجد جامع اصفهان است و نه بررسی عواملی تحمیلی و از پیش تعیین شده در این باره. بنابراین روش پژوهش آن به‌صورت کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای^۱ است. لذا داده‌های موردنیاز آن از طریق منبع مصنوع، یعنی خود بنای مسجد جامع اصفهان و البته کتیبه‌ها به‌عنوان زبان تاریخی مسجد جامع اصفهان و منابع مکتوب، شامل متون تاریخی مرتبط با مسجد جامع اصفهان و پژوهش‌های مرتبط، استخراج گردید. سپس داده‌ها تجزیه و تحلیل، مفهوم‌پردازی و طبقه‌بندی گردید و به شکل کدگذاری باز (جدول ۱) و سپس کدگذاری محوری (جدول ۲) دسته‌بندی گردید و هر یک از محورها ذیل محورهای اصلی تر قرار گرفت. (نمودار ۱)



نمودار ۱: فرآیند کدگذاری، (مأخذ: نگارندگان)





جدول ۱: مفهوم‌پردازی و کدگذاری داده‌ها، (مأخذ: نگارندگان)

منبع	داده	مفهوم	مرحله
کتیبه ای از مسجد جامع اصفهان	«غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقایی» (هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۶)	حضور اندیشه میل به جاودانگی در عین اعتقاد به ناپایداری دنیا	کدگذاری باز
کتیبه ای از مسجد جامع اصفهان	«موفق شد به احسان یوسف آقا، قدم زد بی‌ریا در خیر و احسان، بروی حوض مسجد ساخت تالار، که باشد سجده‌گاه اهل ایمان، صحیفی این عمارت یادگاری است، که از وی ماند در شهر صفهان» (هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۶۵)	کد: مشارکت مردمی در حفاظت از مسجد جامع اصفهان با انگیزه جاودانگی	کدگذاری باز
دیگر منابع...	دیگر داده ها...	دیگر مفاهیم...	کدگذاری باز

جدول ۲: کدگذاری محوری و مقوله‌پردازی، (مأخذ: نگارندگان)

کد محوری	مقوله	مفهوم ها	مرحله
نقش حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه	نقش انگیزه جاودانگی در مشارکت مردم در حفاظت از مسجد جامع اصفهان	حضور اندیشه میل به جاودانگی در عین اعتقاد به ناپایداری دنیا	مقوله پردازی و کدگذاری محوری
		مشارکت مردمی در حفاظت از مسجد جامع اصفهان با انگیزه جاودانگی	مقوله پردازی و کدگذاری محوری
	دیگر مقولات...	دیگر مفاهیم...	مقوله پردازی و کدگذاری محوری

در نهایت سه محور اصلی از محورهای شناخته‌شده، به‌عنوان عوامل اصلی‌تر مورد شناسایی قرار گرفت که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. (جدول ۳)

جدول ۳: کدگذاری‌گرینشی، (مأخذ: نگارندگان)

کد گذاری کدهای گرینشی (مرحله نهایی کدگذاری)
۱- اعتقادات دینی جامعه
۲- احساس تعلق خاطر جامعه
۳- حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه

۶- مبانی نظری:

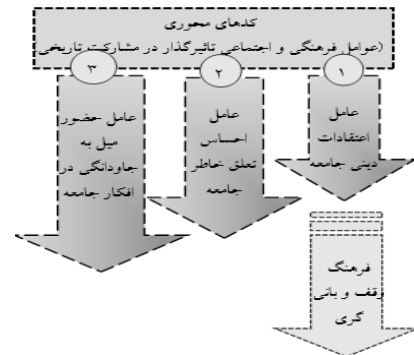
در فرهنگ دهخدا مشارکت به معنای شراکت و انبازی، همکاری داشتن و بهره‌برداری آمده است. (دهخدا،

۱۳۸۵، ۴۶) و مشارکت اجتماعی مجموعه کارهای ارادی و خودخواسته‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم، در شکل دادن حیات سیاسی و اجتماعی سهیم می‌شوند؛ دانسته شده است. (تبریزی، ۱۳۷۵، ۹۲) در پژوهش حاضر تأثیر این فعالیت‌ها در تداوم حیات یک مجموعه فرهنگی به نام مسجد جامع اصفهان بررسی می‌گردد.

هر چند مشارکت هیچ‌گاه از زندگی انسان‌ها جدا نبوده است اما «تأکید بر نقش مشارکت به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه، پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ صورت پذیرفت.» (نیازی، ۱۳۸۵، ۱۲۸) «امروزه متخصصان سعی در درگیر کردن افراد از طریق رویکردهای مشارکتی در محیط و پیشنهاد راه‌کارهای عملی برای اعلام نظر افراد جامعه هستند.» (اسلامی، ۱۳۹۲) لذا ممکن است چنین به نظر آید که مفهوم مشارکت بیش از آنکه یادآور پدیده‌ای تاریخی باشد، پدیده‌ای مربوط به جوامع امروزی است؛ اما مشارکت همواره در جوامع بشری نقشی پررنگ ایفا نموده است. «کانون خانواده بر پایه مشارکت استوار است. همه ادیان و مذاهب جهانی مشارکت را بستر کوشش‌های عبادی خود می‌دانند. مشارکت در قالب شورا در مکتب اسلام نیز واجد اصلی، متین و استوار است.» (نیازی، ۱۳۸۵، ۱۳۳) «یکی از مردم‌شناسان کشورمان در کتابی با نام «فرهنگ یاریگری در ایران» با بررسی گسترده و میدانی که در روستاهای مختلف کشور انجام داده است، نشان می‌دهد که روحیه ایرانی و شخصیت اساسی ایرانیان، روحیه و شخصیت جمع‌گراست و میل به مشارکت و انجام کار گروهی یکی از الگوهای فرهنگی غالب در فرهنگ سنتی ماست، این پژوهشگر با بررسی صدها نمونه از زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی زندگی سنتی ایرانیان، «نظریه‌های تک‌روی» در فرهنگ ایران را که مستشرقین و برخی جامعه‌شناسان ارائه کرده‌اند، رد می‌کند.» (مسجدجامعی، ۱۳۷۷، ۱۶) با این وصف، علی‌رغم تصورات، بررسی مشارکت تاریخی در ایران موضوعیت می‌یابد.

۷- مطالعات و بررسی‌ها

بررسی منابع و کدگذاری و درنهایت محوربندی کدها، سه محور اصلی را به عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در مشارکت مردم در حفاظت از مسجد جامع اصفهان، مشخص نمود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. (نمودار ۲) این عوامل از دل شیوه گردنبرد تئوری استخراج گردیده و عواملی از پیش تعیین شده نبودند که پیش از نگارش مقاله بتوان آن‌ها را مطابق با معیارهای بین‌المللی تعیین نمود و بر اساس آن مقاله را پیش برد. بلکه نویسندگان در جست‌وجوی عوامل بومی و متکی بر زمینه‌های فرهنگی و جغرافیایی و با تکیه بر مستندات تاریخی، سعی در یافتن عوامل نمودند و عامل اصلی هم‌ترازی آن‌ها، همانا از جنس فرهنگی و اجتماعی بودن آن‌ها و حضور آن‌ها در خرد جمعی تاریخی کاربران مسجد جامع اصفهان است.



نمودار ۲: کدهای محوری (عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در مشارکت تاریخی مردم در حفاظت از مسجد جامع اصفهان). (مأخذ: نگارندگان)

۸- یافته‌های تحقیق

در ادامه به بررسی هر یک از این عوامل سه‌گانه در مسجد جامع اصفهان پرداخته می‌شود.

۸-۱- اعتقادات دینی جامعه

مسجد جامع اصفهان، بنایی است که در بستر یک جامعه اسلامی شکل گرفته و تداوم حیات یافته است. «اسلام دینی است اجتماعی و سنتی است که جهت‌یابی و گرایش آن به سوی جامعه است. تأثیر این جهت‌یابی را در تعبیر مفهوم «امت» که همان جامعه مسلمانان است، می‌توان یافت. این مفهوم، مأموریتی صریح و تکلیفی الهی است که به همه مسلمانان جهان دستور می‌دهد

دارای یکپارچگی اجتماعی باشند، یعنی جامعه واحد، یعنی یک «امت». این مأموریت در سراسر قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران که خداوند متعال می‌فرماید: «باید از میان شما، گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند... شریعت اسلامی به واسطه منابع اساسی خود، اصول مشخصی را وضع نموده است که در راستای نیل به اهداف نهایی اسلام و نیز تسهیل و نظم‌بخشی به زندگی مسلمانان وجود آن‌ها ضروری است. این اصول که در یک چهارچوب و ساختار اجتماعی منسجم ادغام گردیده‌اند، در قالب یک سری ارزش نمایان شده‌اند و این ارزش‌ها، به صورت قواعدی درآمده‌اند که در چهار سطح اجتماعی بایستی پیاده شوند: جامعه، همسایگی، خانواده و فرد... به منظور تقویت کاربرد اصول چهارچوب اجتماعی اسلام، دین اسلام مجموعه دیگری از اصول تدوین نموده است. این اصول در چهارچوبی کالبدی نمایان شده‌اند. بدین مفهوم که منابع مختلف شریعت اسلامی بایستی به گونه‌ای عملی در محیط کالبدی زندگی مسلمانان پیاده گردد.» (مرتضی، ۱۳۸۷، ۱۰۷-۱۰۶)؛ بنابراین این دین اجتماعی، برای پیروان خود، دیدگاه‌ها و نگرش‌هایی برای انجام نقش کنشگری اجتماعی خود در قبال جامعه و همچنین معماری به مثابه بعد کالبدی جامعه به همراه داشته است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۸-۱-۱- نگرش‌های حاصل از اعتقادات دینی جامعه

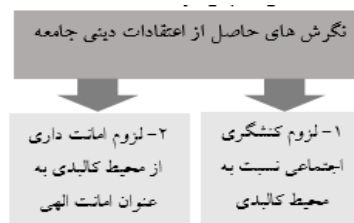
پیش از این ذکر شد اسلام دینی اجتماعی است و کنشگری اجتماعی از مبانی فکری اساسی آن است و نمود آن در تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر قابل ملاحظه است که دعوت به رعایت اصول اسلام در محیط اجتماعی و همین‌طور محیط کالبدی اجتماعی یعنی معماری از موارد این تکلیف محسوب می‌شود. این چنین است که «یک مسلمان نمی‌تواند نسبت به جامعه اسلامی و محیط کالبدی آن به عنوان معماری بی- تفاوت باشد؛ بنابراین اعمال و عقاید اسلامی مردم بایستی ملاک و مبنای برنامه‌ریزی در محل سکونتشان قرار گیرد. در واقع آن‌ها موازین و سازوکار تشکیل‌دهنده محیط سنتی اسلام به شمار می‌آیند.» (همان، ۱۰۷)





پس لزوم کنشگری نسبت به محیط کالبدی، از نگرش-های تأثیرگذار اصول و مبانی فکری و اعتقادی اسلام برای جامعه اسلامی است؛ اما نگرش دیگری حاصل از مبانی فکری و فلسفی اسلام در اعتقادات جامعه اثرگذار بوده است. «انسان سنتی عالم را امانت خداوند می-دانسته که می‌بایست به نحو احسن در عین بهره‌برداری از آن حفاظت کند؛ ... بر مبنای این باور انسان سنتی می‌بایست ضمن بهره‌مندی با رعایت امانت‌داری آن‌ها را به نسل‌های بعدی تحویل دهد. لذا حفاظت، امری الهی و به‌مثابه وظیفه‌ای جدی بر عهده انسان سنتی بوده است و بر همین اساس وی سعی داشته در خصوص تمام مصنوعاتی که به‌مثابه نعمت‌های الهی در اختیار او قرار داده شده است (از جمله معماری)، این تکلیف را به بهترین شکل به‌جا آورد. در خصوص بناهای مذهبی این ماجرا به‌صورت مضاعف مورد توجه قرار گرفته است.» (عباسی‌هرفته، ۱۳۹۴، ۵۱)

لذا مشارکت در فرآیند نگاهداری از مسجد جامع اصفهان و البته نظارت بر آن از وظایف اصلی مسلمانی است که از دو نگرش امر به معروف و نهی از منکر و لزوم کنشگری اجتماعی در برابر محیط و دیگری امانت‌داری محیط به‌مثابه امانت الهی شرح داده شد. (نمودار ۳) این نگرش‌ها انگیزه لازم برای جامعه را در انجام وظیفه حفاظت از مسجد جامع اصفهان را فراهم می‌آورد. این وظیفه به‌خوبی از جانب انسان تاریخی زیسته در دوره حیات مسجد جامع پاسخ‌داده شده است و منجر به تداوم حیات مسجد جامع اصفهان گردیده است.



نمودار ۳: نگرش‌های تأثیرگذار تأثیرپذیرفته از اصول و مبانی فکری و اعتقادی اسلام در مشارکت تاریخی در حفاظت از مسجد جامع اصفهان. (مأخذ: نگارندگان)

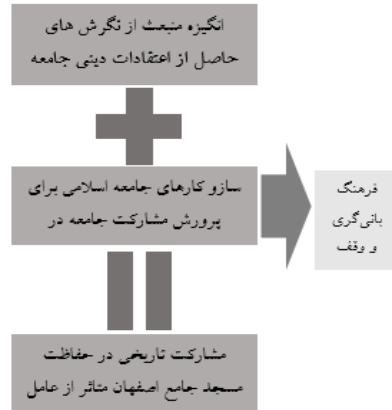
به‌عنوان مثال گرابار اشاره‌ای به این مطلب دارد که در مسجد جامع اصفهان دسته‌ای از اقدامات مرمتی توسط استادکارانی، بدون آنکه از جایی سفارشی گرفته باشند،

صورت می‌پذیرفت. اینان «بدون سفارش خاص یا تقاضایی و در محدوده‌ی بودجه در دست‌رسان وارد عمل می‌شدند.» (اولگ گرابار، ۱۳۸۸، ۱۱۰) و البته طبیعی است که حاصل مداخله افراد گوناگون، به وجود آمدن اشکال متنوعی از شیوه‌های ساخت همچون شکل‌های گوناگون و غیر همسانی از انواع پوشش‌های طاقی در بنای مسجد جامع اصفهان شده است. چنان‌که گرابار نیز به آن اشاره می‌نماید و البته آن را نکته‌ای تماماً منفی تلقی نمی‌نماید و اشاره می‌کند که هرچند «واکنشی نقادانه به چیزی که ظاهراً از فزونی بوده که روزگاری به طرزی عالی به‌کاررفته اما توأم با شلختگی بوده و محیط جانبی را منظور نداشته، کار دشواری نیست، ولی شیوه دیگری هم برای نگرستن به این محوطه‌ها هست. این نمونه‌های شگفت‌عملیاتی، نوعی کنش غیر تاریخی محلی‌اند که طی قرون، فضاهای مسقف غریب مانده مسجد را تمیز و تعمیر کرد. در این‌که بکوشیم تاریخ ساختن گنبدها یا دگرسانی‌های مؤثر در تکیه‌گاه را معلوم کنیم فایده‌چندانی متصور نیست. امر بارز مهم در اینجا آن است که از آن لحظه‌ای که هنوز معلوم نیست، فرهنگ و توان فنی اصفهان، فضای بزرگ مسجدش را به کمال ساخت و نگه داشت.» (همان، ۶۳) بنابراین کالبد یکپارچه‌شده و شکل یافته مسجد جامع اصفهان متشکل از عناصر گوناگون و غیرمتشابهی است که در بناهای تاریخی شاخص معماری غرب نمونه آن دیده نمی‌شود. در معماری غرب همواره نظم و هماهنگی ظاهری بنا، اهمیت داشته است. در صورتی‌که در معماری یکی از شاخص‌ترین بناهای اسلامی ایران، این نبود هماهنگی ظاهری در بخش‌های مختلف بنا، بیانگر یک فرآیند فرهنگی با اهمیت تبلور یافته در ساختار کالبدی آن است و این فرآیند مهم، تداوم مشارکت تاریخی در سیر حفاظت از مسجد جامع اصفهان است.

و البته گرابار تأکید می‌نماید که «هیچ‌گاه به این نکته پی نخواهیم برد که چگونه این تصمیمات گرفته می‌شد و چه کسی یا کسانی آن‌ها را می‌گرفت. ... طی سفر اولم به اصفهان در حدود ۱۹۶۰، گروه کوچکی روی کف صحن کار می‌کرد بی‌آنکه رهنمودی از دولت بگیرد یا ارتباطی با اعضای مرمت اداره باستان‌شناسی داشته باشد.» (همان، ۹۸-۹۷) یا آنکه در روایتی دیگر «از یکی

از معمرین مسجد جامع اصفهان شنیده شد که در دوره پهلوی، بار آجر را جلوی در ورودی مسجد تخلیه کرده بودند و نماز گذاران در هر وعده نماز به همراه خود در هنگام ورود به مسجد برای اقامه نماز، مقداری از آجرها را نیز به داخل مسجد و محل موردنظر می‌آوردند و ظرف چند روز کل بار آجر که مقدار قابل توجهی بود، بدون هزینه به محل موردنظر منتقل شد. مثال دیگر، افرادی است که در صنعتی از صنایع موردنیاز مسجد تخصص داشتند و تعدادی از روزها را نذر می‌کردند که به صورت رایگان در مسجد به انجام مداخلات لازم بپردازند.» (عباسی‌هرفته، ۱۳۹۴، ۷۹).

با توجه به فرهنگ اسلامی و نگرش‌های حاکم بر جامعه حاصل از آن، این قبیل اقدامات از جانب مردم دور از انتظار نبوده است. فرهنگ جامعه اسلامی در ایران در طی قرن‌ها به سازوکارهای مشخصی برای پرورش مشارکت مردم در فرآیند شکل‌گیری تمدن اسلامی و مساجد جامع به‌عنوان یکی از مظاهر این تمدن، دست‌یافته است که از آن جمله می‌توان به سازوکارهای فرهنگی بانی‌گری و وقف اشاره نمود. (نمودار ۴)



نمودار ۴: نقش سازوکارهای فرهنگی جامعه اسلامی در تداوم فرهنگ مشارکت تاریخی در حفاظت از بناها. (مأخذ: نگارندگان)

۱-۲- فرهنگ وقف و بانی‌گری

«یکی از برترین آموزش‌های عملی اسلام که در ارتباط با دیگران است، سنت حسنه‌ی «وقف» است. وقف از انواع امور خیریه و داوطلبانه که برای برخوردار کردن دیگران از اموال شخصی توانمندان که در حقیقت، نوعی تعدیل ثروت و توزیع درآمد است، به وجود آمده است.» (ناصحی و شادپی، ۱۳۸۷، ۱۵۸) مطابق با سنت وقف

«افراد حقیقی یا حقوقی بخشی یا همه ملک خود را به سازمانی دولتی یا حقوقی می‌بخشند. این سنت حسنه در ایدئولوژی اسلامی ریشه دوانده و نقش بارزی در توسعه شهرهای اسلامی، به‌ویژه شهرهای مذهبی داشته است.» (کلانتری خلیل‌آباد، صالحی و رستمی، ۱۳۸۹، ۳۳) بنابراین، واقفان به تدارک منابع مالی موردنیاز می‌پردازند. اما معماری و فرآیند ساخت‌وساز نیازمند حامی، هدایتگر و آغازگر و ناظر بر فرآیند ساخت نیز هست. در اینجا پای بنیان به میان می‌آید و لذا بنیان واقفانی‌اند که وظایفی فراتر تهیه منابع مالی در فرآیند ساخت‌وساز را بر عهده می‌گیرند.

به‌عنوان مثال ابن خلدون حکومت‌ها را بنیانی قدرتمند معرفی می‌نماید که با قدرت خود توانایی ساخت هر بنایی را دارند. (ابن خلدون، ۱۳۸۸، ۳۳۸-۳۳۶) هرچند که او حکومت را بانی عمده در ساخت بناهای باشکوه می‌داند اما به نقش بانی‌گری مردم عادی در ساخت مساجد کوچک نیز اشاره می‌نماید و چنین می‌گوید: «امور مساجد بزرگ مربوط به خلیفه یا کسی است که از جانب وی تعیین می‌شود. از قبیل سلطان یا وزیر یا قاضی و خلیفه ... ولی امور مساجد مخصوص به یک طایفه یا یک کوی بخصوص، مربوط به کسانی است که جوار آن‌ها سکونت دارند و نیازی به نظارت خلیفه یا سلطان در آن‌ها نیست.» (همان، ۴۲۱)

بنابراین از نگاه ابن خلدون بنیان را می‌توان به دودسته بنیان حکومتی و بنیان مردمی تقسیم‌بندی نمود که کارهای بزرگ با بانی‌گری حکومت و کارهای خرد با بانی‌گری مردم عادی قابل انجام است؛ که نقش هردوی آن‌ها در نگهداری و حفاظت از بنای مسجد جامع اصفهان قابل‌شناسایی است. به‌طورقطع بنیان حکومتی قدرت و ثروت بیشتری در اختیار داشته‌اند و بنابراین این امکان را داشته‌اند که نقشی پررنگ‌تر در حفاظت مسجد ایفا نمایند؛ بنابراین، هرچند در اکثر متون تاریخی، بیشتر به بنیان حکومتی اشاره شده، اما در برخی کتیبه‌ها و متون به بنیان مردمی هم اشاره شده است. با این وصف مسجد جامع اصفهان در صورت کنونی‌اش حاصل نقش-آفرینی بنیان مختلف در طول تاریخ است. بنیانی که به دودسته بنیان مردمی و بنیان حکومتی قابل دسته‌بندی هستند و هریک با حمایت و هدایتگری ساخت‌وساز و





تهیه منابع مالی، نقش خود را در نگهداری مسجد جامع اصفهان ایفا نموده‌اند.

به‌عنوان مثال مافروخی از شخصی به نام ابومضمر رومی نام می‌برد که دری را وقف مسجد نموده است. «یکی از اصفهانیان که معروف بود به ابومضمر رومی، دری ساخته بود، بر آن، اعمال عجیبه و صنایع غریبه و در خرج آن، مقدار هزار دینار آن وقت، تکلف نموده، بیرون از خرج طاق و دو منار که مبنی‌اند بر دو فیلوار معلق بر معبری که مفتوح از مسجد جامع، به سر بازار رنگرزان می‌رود.» (مافروخی، ۱۳۸۵، محاسن اصفهان، ۹۰) یا لوحی سنگی در مسجد جامع اصفهان به‌دست‌آمده است که «مضمون این لوح سنگی حاکی از آن است که در دوره شاه‌طهماسب اول، دومین پادشاه از سلسله صفویه، بنده درگاه (امیر اصلان بن رستم سلطان اله افشار اردلو) در ملازمت، شاهزاده عالمیان سلطان احمد میرزا فرزند شاه‌طهماسب در شهر اصفهان اقدام به حفر نهری نموده و آب مباح به مسجد جامع آورده و آن را قربه‌الی الله تعالی وقف بر مسجد جمعه اصفهان نموده است.» (هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۶۵) یا در کتیبه‌ای سخن از وقف سنگاب است با این مضمون که «کرد وقف شاه مظلومان حسین‌ابن‌علی هر که نوشد آب گوید لعن بر ابن زیاد» (همان، ۱۶۱) و یا انواع دیگر وقف چون وقف خانه، وقف روغن چراغ و... برای مسجد که در کتیبه‌ها مکتوب گردیده است. (همان، ۱۲۱) و یا حتی در وقف نامه‌ای با موضوع وقف آب، متولی وقف به‌صورت نسل به نسل تعیین شده است تا اجرای وقف را برای همیشه ضمانت نماید. که متن آن به این شرح است. «بعدازآن حضرت ارشد اولاد ذکور صلیبی آن حضرت، نسل بعد از نسل و عقبا بعد عقب متولی نظر مزبور بوده و به نظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است، قیام و اقدام نمایند.» (همان، ۱۶۷) از همین روی، وقف به‌عنوان فرهنگی پویا ضامن بقا و تداوم ابنیه تاریخی و به‌ویژه مسجد جامع اصفهان بوده است.

۸-۲- احساس تعلق خاطر جامعه

از احساس تعلق خاطر مردم به مسجد جامع اصفهان می‌توان به‌عنوان عامل دیگر در فرهنگ مشارکت مردم در نگاهداری از مسجد جامع اصفهان نام برد. «جانشین واقعی کاخ‌های عظیم هخامنشی و ساسانی مسجد است.

مسجد همچون مظهر قابل‌رؤیت کیش اسلامی همان کارکرد را داشت، اما به طریقه‌ای بس مردم‌سالارانه‌تر، کاخ‌های هخامنشیان و ساسانیان جایگاه سلطه شخصی بی‌رقیب و متمرکز شاه بود و انسانی عادی صرفاً به‌عنوان یک نیازمند یا خادم به درگاهش راه می‌یافت. ولی ممکن نیست هیچ شخصیت منفردی بر مسجد تسلطی داشته باشد.» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۱۲۱) بنابراین در دوران اسلامی برخلاف دوران پیش از آن که مردم حقی نسبت به بناهای عمومی نداشتند؛ خود صاحب مسجد بودند و این به آن معنا است که آن‌ها می‌توانستند در فرآیند ساخت و نگهداری آن مشارکت داشته باشند. مردم با حضور مستمر خود به شکل غیر فیزیکی منجر به حفظ زندگی و کارایی مسجد جامع اصفهان شدند، اما مردم به شکل فیزیکی و با مشارکت در فرآیند ساخت‌وساز و تعمیر مسجد نیز باعث ماندگاری آن شدند؛ زیرا که «مسجد نمادی بس مردم‌سالارانه‌تر از کلیسای جامع مسیحی و حتی مردمی‌تر از معابد هندی و آسیای شرقی است. در مسجد جایی برای روحانیان ملیس به جامه‌های فاخر همراه با دم‌دستگاه باشکوه و مجلل و نظام سلسله‌مراتبی نیست. اساساً در اسلام هیچ مجالی برای سلسله‌مراتب وجود ندارد؛ بنابراین به ساختارهایی پیچیده برای مراتب کاملاً متمایز روحانیت که آیین‌ها را به‌جای آورند، هیچ نیازی نیست. به‌جز گهگاه مقصوره‌ای. کمترین نشانی از انحصار‌گزینی در فضای مسجد نیست، همگی حق یکسانی در همه جای مسجد دارند.» (همان، ۱۱۲۲) یکی از موارد نشان‌دهنده این احساس تعلق، حمایت مردم از مسجد عتیق در برابر تصمیم شاه‌عباس در استفاده از مصالح مسجد عتیق در ساخت مسجد جامع عباسی است که منجر به انصراف شاه‌عباس از این تصمیم شده است که شاردن نیز در سفرنامه خود به آن اشاره نموده است. (شاردن، ۱۳۷۲؛ ۴۵۹ و ۴۶۰) در طول تاریخ استقبال مردم از مسجد جامع عباسی یا همان مسجد شاه به‌اندازه مسجد عتیق نشد و امروز هم مطابق بازدیدهای میدانی به همین شکل است. این احساس تعلق مردم به مسجد یکی از عوامل بسیار مهم در مشارکت آن‌ها تلقی می‌گردد.

۸-۳- حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه

میل بشر به جاودانگی را می‌توان دلیل دیگری در مشارکت مردم اصفهان در فرآیند حفاظت مسجد جامع اصفهان دانست. نمودی از این میل در جامعه اصفهان در تلاش برای نگهداشت مسجد جامع اصفهان ظاهر شده است. «انسان‌ها در دل این گردش‌ها و دگرگونی‌ها و فناها و مرگ‌ها و ناپایداری‌ها، پیوسته در پی بقا و پایداری و جاودانگی‌اند. ابلیس، پدر بهشتی ما را به هوای همین جاودانگی فریفت. حب زیبایی و نیکویی، دوستی علم، حتی حب جاه و مال و همه امیال نیک و بد آدمی مآلاً میل به جاودانگی و گریز از ویرانی و میرایی است. همه افعال آدمیان، از جنایت گرفته تا فنای عارفان در حق، در جهت ارضای کاذب یا حقیقی میل به خلود است. انسان‌ها ساخته‌ها و بناهای خود را نیز در جهت جاودانگی سامان می‌دهند و برمی‌افرازند - چه با استوار ساختن آن‌ها، چه افراختن آن‌ها برای ماندن نام نیک، چه با نهادن آن‌ها در جهت خواست خدا و سرای باقی و نیروهایی فراتر از عالم مادی» (قیومی‌بیدهندی، ۱۳۹۰، ۱۳-۱۴) شاهد محکم نقش این میل در فرهنگ اصفهان در نگاهداشت مسجد جامع، کتیبه‌ای است؛ در مسجد جامع اصفهان که شخص مرمت‌کننده، به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره کرده است که هدفش از این اقدام، ورود این انسان میرا به ساحت جاودانگی مسجد است؛ و چه زیبا این مطلب را در کتیبه با این شعر بیان نموده است: «غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقایی» (هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۶۵) یا در کتیبه‌ای دیگر آمده است «موفق شد به احسان یوسف آقا، قدم زد بی‌ریا در خیر و احسان، بروی حوض مسجد ساخت تالار که باشد سجده‌گاه اهل ایمان، صحیفی این عمارت یادگاری است که از وی ماند در شهر صفهان» (همان) بنابراین یوسف آقا صراحتاً بیان می‌دارد که این اقدام مرمتی را از آن جهت انجام داده است که یادگاری از او باقی بماند و تا زمانی که شهر اصفهان هست، مسجد جامع اصفهان نیز خواهد بود و یاد یوسف آقا نیز زنده خواهد ماند. یا در نمونه‌ای دیگر در کتیبه‌ای آمده است. «محمدعلی آنکه از دور او، گریزان بود فتنه از چهارسو، ز بس خدمت مسجد جمعه کرد، میسرشدش هر چه کرد آرزو، به مسجد ز اطلس نیفکند فرش که اطلس بنایش بود پشم و مو، بساطی فروچید از سنگ و لعل که هرروز

نو گردد از رفت و رو» (همان، ۱۶۲-۱۶۱) بنابراین محمدعلی نیز کف مسجد را سنگفرشی نموده که تا ابد باقی بماند و نام او را نیز حفظ نماید. اعتقاد به جاودانگی مسجد و میل به جاودانگی خود، منجر به مشارکت مردم در فرآیند حفظ مسجد می‌گردید. به این نحو مردم نامشان یا پیامشان از طریق این کتیبه‌ها و از طریق جاودان بودن عملشان به آیندگان می‌رسید. آری این مسجدی است جاودان که گر نقشی در آن بیفکنند و هر پیامی را از طریق آن منتقل نمایند، بخشی از وجود میرای آن‌ها وارد ساحت جاودانگی می‌شود و از این طریق است که بعد از قرن‌ها مل محمدعلی و یوسف آقا را می‌شناسیم و پیامشان را می‌خوانیم.

۹- نتیجه تحقیق

فرآیند حفاظت و نگهداری از مسجد جامع اصفهان در طول تاریخ هم به‌وسیله حکومت‌ها و هم با مشارکت مردم انجام پذیرفته است. مشارکت مردم در این فرآیند به‌خوبی در کالبد مسجد جامع اصفهان قابل شناسایی است. این کالبد یکپارچه شده و شکل یافته مسجد جامع اصفهان، متشکل از عناصر گوناگون و غیرمتشابهی است که نبود هماهنگی ظاهری در بخش‌های مختلف بنا، بیانگر یک فرآیند فرهنگی تبلور یافته در ساختار کالبدی آن است و این فرآیند مهم، تداوم مشارکت تاریخی مردم در فرآیند حفاظت از مسجد جامع اصفهان است. از عوامل و زمینه‌های این مشارکت تاریخی، می‌توان سه عامل کلی اعتقادات دینی جامعه، احساس تعلق خاطر جامعه و حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه را نام برد.

اعتقادات دینی جامعه، با ایجاد دو نگرش، منجر به مشارکت مردم گردید. اول، لزوم کنشگری نسبت به محیط کالبدی جامعه اسلامی است؛ که در مسجد جامع اصفهان به‌عنوان یک محیط کالبدی اسلامی، تمکین انسان سنتی حاضر در آن در طول تاریخ به این الزام و خواسته دین اسلام به‌خوبی قابل مشاهده است. دوم، اعتقاد به لزوم امانت‌داری، از محیط کالبدی به‌عنوان یک امانت الهی و در نتیجه اهتمام به حفاظت و نگهداری از آن است. این نگرش‌ها انگیزه لازم برای مشارکت مردم را ایجاد می‌نمود و دین اسلام از طریق ارائه سازوکار وقف و بانی‌گری تداوم این مشارکت را تضمین نمود.





این سازوکار در طول تاریخ، به خوبی تسهیلات و نیروی انسانی و مخارج حفاظت مسجد را چه از جانب بانیان و واقفان حکومتی و چه از جانب بانیان و واقفان مردمی تأمین نموده است و به مشارکت مردم، شکل داده و آن را هدایت نموده است.

از حس تعلق جامعه به مسجد عتیق، می‌توان به‌عنوان عامل دیگر شکل‌گیری فرهنگ مشارکت مردم اصفهان در حفظ مسجد جامع اصفهان نام برد. در مبانی فکری اسلام، تمامی افراد با هر مقامی در پیشگاه خداوند یکی هستند و در تعلق به مسجد نیز، با یکدیگر متفاوت نیستند و مسجد بنایی است از آن تمامی مسلمانان و به یک اندازه؛ و این منجر به ایجاد احساس تعلق خاطر مضاعف مسلمانان نسبت به مسجد می‌شود. احساس تعلق خاطر، منجر به تداوم حضور مردم در مسجد (مشارکت معنوی) و مشارکت آن‌ها در حفاظت از آن (مشارکت فیزیکی) می‌گردد؛ و این مشارکت چه از جنس فیزیکی و چه از جنس معنوی باعث حفاظت مسجد جامع اصفهان شده است. هر کس که در آنجا نمازی خوانده، هر کس که در آنجا شمعی افروخته و هر کس که آجری جابه‌جا کرده و به عبارتی تمام مردم حاضر در آن در این فرآیند مشارکت نموده‌اند.

حضور میل به جاودانگی در افکار جامعه، عامل دیگر ایجادگر مشارکت مردم است. مردم به‌منظور مقابله با میرایی و از آن روی که نامشان، عملشان و پیامشان برای آیندگان تا همیشه و در این بنای نامیرا، جاودان بماند در فرآیند پاسداری و حفاظت از آن مشارکت نمودند و به ساحت جاودانگی آن راه یافتند.

۱۰- تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر مانایی مسجد عتیق اصفهان تحت قرارداد با دانشگاه هنر اصفهان است. برنگارندگان لازم است از حمایت‌های این سازمان، تشکر و قدردانی به عمل آورند.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

1. Grounded theory
2. Participation

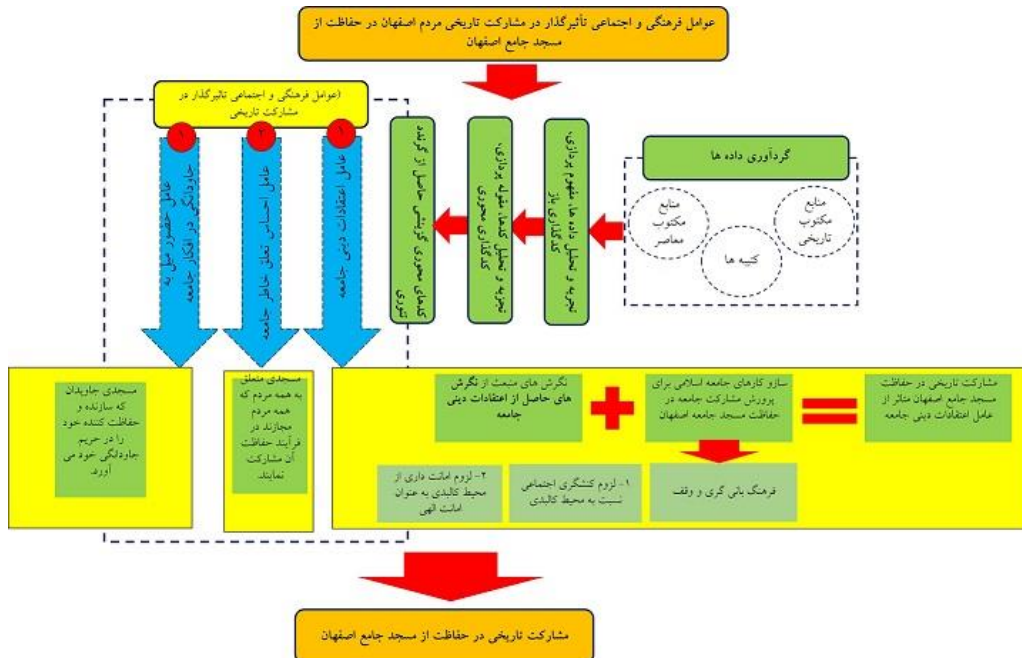
۱۲- منابع فارسی و لاتین

• قرآن کریم.

- آریان، عاطفه. (۱۳۸۹). «روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی». مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، ش. ۲۵، ص. ۸۶-۹۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۸۸) مقدمه ابن خلدون، ج. ۱ و ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- استراوس، انسلم، جولیت کربین، (۱۳۹۵) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. مترجم: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اسلامی، غلامرضا، حامد کامل‌نیا، ۱۳۹۲. معماری جمعی: از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور، (۱۳۸۷) سیری در هنر ایران، ج. ۳، مترجم نجف دریابندی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تبریز، محسن، (۱۳۷۵) «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی-سیاسی»، تهران، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حکمت نیا حسن، موسوی، میرنجف. (۱۳۸۵)، «تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران»، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش. ۸۰، ص. ۱۳۶-۱۲۱.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا
- شاردن، ژان. ۱۳۷۲، سفرنامه شاردن، مترجم اقبال یغمایی، چاپ اول، تهران: انتشارات توس
- صوفی، بامداد، جهان یار شهباز مرادی، سعید سلیمی، مجید مدیریت. (۱۳۸۴) «تحلیل محتوا با استفاده از نظریه بنیادین، رویکردی عملیاتی و نوین در روش تحقیق کیفی». مجله مطالعات مدیریت صنعتی، ش. ۸، ص. ۵۵-۷۰.
- عباسی هرفته، محسن، (۱۳۹۴)، شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران با تکیه بر شواهد تاریخی حفاظت در مسجد جامع اصفهان. یزد: دانشگاه یزد.

- قیومی بیدهندی، مهرداد، (۱۳۹۰)، گفتارهایی در مبانی تاریخ معماری و هنر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلانتری خلیل‌آباد حسین، صالحی سید احمد، رستمی قهرمان، (۱۳۸۹) «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش. ۱، ص. ۳۳.
- گرابار، اولگ، (۱۳۸۸)، مسجد بزرگ اصفهان، مترجم علی موسوی فریدنی، اصفهان: چاپ گیتی.
- مافروخی، مفضل بن سعد، (۱۳۸۵) محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد آوی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- مرتضی، هشام، (۱۳۸۷)، کتاب اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام، مترجمان دکتر ابوالفضل مشکینی و دکتر کیومرث حبیبی. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ما فروخی، مفضل بن سعد، (۱۳۸۴)، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد آوی. ویراسته محمدرضا زاده‌وش. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- مسجد جامعی، احمد، (۱۳۷۷)، «مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکت»، مجله پیوند، ش. ۲۳۱، ص. ۱۴.
- نیازی، محسن، (۱۳۸۵)، «تبیین وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان»، فصلنامه کاشان شناخت، ش. ۲۰، ص. ۱۲۷.
- ناصحی، مهدی، محبوبه شادپی، (۱۳۸۷) بانک وقف پول، فرصت‌ها و چالش‌ها، وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات اسوه، اسوه، ۱۳۷-۱۶۰
- نیک‌خواه هدایت اله، احمدی زهرا سادات، (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس»، فصلنامه مطالعات توسعه فرهنگی و اجتماعی، ش ۲۱، ص. ۱۸۴-۱۵۹.
- هنرفر، لطف اله، (۱۳۵۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تهران: چاپخانه زیبا.

۱۳- چکیده تصویری





Cultural and Social Factors Influencing the Historical Participation of the Isfahan People in the Preservation of the Isfahan Jade Mosque

Soodabe Adibzade¹, Sima Khaleghian¹, Mahdi Saedvandi*²

Submitted: 2019-10-08

Accepted: 2020-06-01

Abstract

Social participation is one of the most important concepts of the contemporary world in the field of architecture and urbanism. But our historical experiences have not been left out of this concept. The Isfahan Jame Mosque is an example that has always been visible throughout history, with the participation of the people in its preservation and maintenance. Given the function of social participation in contemporary issues, social study, and understanding of the historical experience of participating in the conservation of the Isfahan Jame mosque is essential for applying it to contemporary experiences. It is one of the most important buildings in the Islamic world that researches have been done about it, but most of these studies has been focused on its physical aspects and its cultural and social aspects have received little attention. On the other hand, the Isfahan Jame Mosque is one of the historical buildings that continues to its functional and physical life for centuries.

The purpose of this study is to identify the cultural and social factors influencing the historical participation of Isfahan people in the preservation of the Isfahan Jame Mosque. From the perspective of the research methodology, the research method of this study is qualitative and is based on theoretical theory. In this study, a procedural approach is taken from the induction and is based on data analysis. The required data were extracted from the source of the artifact, ie the Isfahan Jame Mosque itself, and of course the inscriptions as the historical language of the Isfahan Jame Mosque and References including historical texts related to the Isfahan Jame Mosque and related research. The data were then analyzed and conceptualized and coded in three steps. This research seeks to answer the following questions: What are the historical and cultural factors influencing the historical participation of Isfahan people in the preservation and protection of the Isfahan Jame Mosque? And how are they influenced?

The results showed that the process of preservation of the Grand Mosque of Isfahan has historically been done by both govern and with the participation of the people. Public participation in this process is clearly identifiable in the body of the mosque. Three general factors were identified from the results of this study. The first factor is the religious beliefs of the community which lead to the continuation of historical participation through the creation of a view of the necessity of social activism towards the physical social environment of Muslims and the necessity of preserving the social physical environment as a divine trust and through the mechanisms of tradition of endowment and patronage in Islamic culture. Has been preserved in Isfahan Jame Mosque. Alongside this factor, the factors of the sense of belonging to the community and the presence of a desire for immortality in the society's thoughts are other factors of historical participation in the conservation of the Isfahan Jame Mosque.

Keyword: Participation, Isfahan Jame Mosque, Conservation, Cultural Factors, Social Factors.

¹ Master of architecture at Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

^{2*} Assistant professor, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran